

چکیده:

با توجه به اهمیت و نقش مدیریت در سازمان های عظیم کنونی، به عنوان دانش اداره کردن مجموعه ها و تدبیر استفاده بهینه از نیروها، شایسته است، دیدگاههای ارزشمند امام علی(ع) به عنوان یک مدیر کارآمد والگوی کامل، در تشکیل حکومت شیعی بپردازیم. مقاله حاضر با بررسی حدود ۳۰ منبع دارای دو بخش عمده است: بخش اول مربوط به کلیات بحث (تعریف و تبیین، ضرورت، روش و اهداف موضوع، معرفی برخی تئوری های مدیریتی و...) می باشد. و بخش دوم به بیان مبانی اخلاقی مدیریت امام علی(ع) (پرهیزگاری، زهد، سعه صدر، علم، عاقبت اندیشی و...) و الگوهای عملی مدیریت امام(ع) (عدالت محوری، فرهنگ سازی، ایجاد انگیزه، برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت، قاطعیت و...) می پردازد.

واژگان کلیدی:

مدیریت - مدیریت رحمانی و انسانی - مدیریت علوی - الگوی اخلاقی و عملی

مقدمه

جهان امروز، دنیای پیشرفت علوم و تکنولوژی و مقطع تحولات شگرف در زندگی انسانهاست این تحولات، مرهون رشد کیفیت اداره مجموعه های عظیم انسانی و ایجاد سازمان هایی است که بتواند به بهترین شکل ممکن، این پدیده های نوین را به سوی اهداف مؤسسين آن، هدایت کند. در این خصوص، به موازات تحولات تاریخی تئوری های متفاوتی ارائه شده که هریک راهکاری مخصوص برای بهینه سازی مدیریت سازمان ها پیشنهاد می کند.

بالتبع این تئوری ها دارای نقاط ضعف فراوان، بوده اند و در این میان، متضررین اصلی این تئوری ها، گروه عظیمی از نیروهای انسانی بوده اند که بیرحمانه، جهت خدمت به تعدادی معدود و در راستای استراتژی این تئوری ها، به کارگرفته می شود. آنچه که در علم مدیریت، اهمیت فراوان دارد، روابط انسانی است. تنظیم و تعالی این روابط، از مباحث عمده دین اسلام است، در نتیجه دین اسلام، بهترین مطالب و مسائل را در این زمینه بیان داشته است.

مقاله حاضر که با تفحص در نهج البلاغه و بررسی حدود ۳۰ منبع و کتب ارزشمند دیگر، تدوین یافته، دارای دو بخش عمده است

بخش اول تحت عنوان کلیات، به تعریف و تبیین موضوع و ضرورت و اهداف تحقیق پیرامون موضوع و معرفی اجمالی برخی نظریه های معروف مدیریتی پرداخته است که می تواند زمینه مقایسه مبانی نظریات را با مبانی مدیریتی امام علی (ع) و تفوق مبانی مدیریتی امام، نسبت به سایر نظریات را، فراهم سازد. بخش دوم، به بیان اصول و مبانی اعتقادی و عملی حضرت علی (ع)، در اداره جامعه بزرگ اسلامی، می پردازد

بخش اول: کلیات (طرح مقاله)

الف) تعریف و تبیین موضوع

تعریف مدیریت

مدیر، در علم صرف، اسم فاعل از ماده «دور» از مصدر اداره بروزن اقامه است که در لغت به معنای اداره کننده، گرداننده و کسی است که کاری را اداره کند (عمید ج ۲، ۱۳۶۰، ص ۱۷۸۲)

از نظر اصطلاحی، تعاریف متعددی برای واژه مدیریت ذکر شده است که برخی از تعاریف مهم بدین شرح است:

مدیریت: «فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می گیرد.» (مدیریت فعالیت های فرهنگی، مهدی حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۰)

مدیریت: «علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیت های دستجمعی برای نیل به هدفهای مطلوب با حداکثر کارایی است.» (اقتداری، ص ۶۱)

مدیریت، عبارتست از: «کاربرد تکنیک های مختلف اداره امور یک گروه انسانی و هماهنگ نمودن کلیه فعالیتهای یک سازمان برای نیل به هدف معین و مشخص و راهنمایی و راهبری رهبران سازمان که آنها را مدیران یا سرپرستان سازمانی می نامند». (پرهیزگار، ص ۲۳)

همچنین به معنای:

«کارکردن با افراد و به وسیله افراد و گروهها برای تحقق هدفهای سازمانی» است. (هرسی - بلاچارد، ص ۱۳)

تعاریف دیگری نیز از مدیریت یافت شده که وجه مشترک همگی این تعاریف، هنر یا علم اداره کردن گروه برای رسیدن به اهداف مشخصی است.

نکته مهم اینکه: تعاریف مذکور، اختصاص به مدیریت اسلامی ندارد، بلکه به طور کلی، منافع گروهی را - اگرچه با عدم رعایت برخی اصول اخلاقی مانند به کار بردن نیرنگ و ستم به دیگران همراه باشد - نیز شامل می گردد. بنابراین مدیریت ای که مورد قبول معیارهای دین اسلام باشد را چنین تعریف می کنیم:

مدیریت، هنر یا دانش اداره کردن گروه و استفاده از نیروها و پشتوانه ها برای رسیدن به اهداف و آرمانهای مشخص است، به شرطی که با قوانین شرعی و اخلاقی مغایرت نداشته باشد.

تعریف الگو:

الگو در لغت به معنای نمونه و شکل چیزی است که از کاغذ یا مقوا بریده باشند مثل الگوی لباس که خیاط از روی آن پارچه را می برد (عمید، ج ۱، ص ۲۲۴)

این واژه در زبان عربی، معادل کلماتی همچون «قالب»، «نموذج»، «باترون التفصیل»، است و در فرهنگ دین اسلام، درحقیقت، به عملکرد شخصیتی برجسته و کامل، در مقابل دوستدارانش اشاره می کند که با انجام اعمال قابل تحسین، آنان را مجذوب خویش می سازد و معمولاً نوع عملکرد این نوع شخصیت، بیشتر از سخنان او در عامه مردم تأثیر می نهد.

احادیث فراوانی در مورد الگودهی عملی یک مسلمان، وجود دارد. به عنوان مثال، امام صادق (ع) می فرماید: «کونوا دعاه الناس بغير الستکم»: مردم را با غیر زبانهایتان به دینداری دعوت کنید یعنی الگوی عملی مردم باشید.

تعریف اصول و مبانی

اصل در لغت به معنای بیخ، بن و ریشه و بنیاد و نژاد هرچیز است (عمید ج ۱ ص ۱۸۰)

مبنا به معنای محل بنا و ریشه و پایه و بنیان چیزی است (همان، ج ۲، ص ۱۷۴۸)

منظور از اصول و مبانی مدیریت، زیرساخت ها و ریشه های تشکیل دهنده فرایند مدیریت است که براساس این زیرساختها، توانمندی و میزان پایستگی مدیریت، شکل می یابد

تعریف حکومت

حکومت در لغت به معنای «فرمانروایی کردن، فرمان دادن، دولت، دستگاه دولتی، سیاست مداران، حکمرانان، هیئت حاکمه متشکل از مجموعه افرادی که متصدی اداره شئون مختلف کشور هستند، داوری و...» آمده است (ن ک: المنجد، ماده حکم و عمید، ج ۱، ص ۸۰۳).

ابن منظور در باره این واژه می نویسد: «أصل الحكومة رد الرجل عن الظلم» (بی تا: ۱۲، ص ۱۴۱) معنای اصلی حکومت، باز داشتن فرد از ظلم و ستمگری است.

در اصطلاح فقهی نیز حکومت، به معنای لغوی نزدیک است و به معنای «فرمانروایی کردن، فرمان دادن و دادرسی و قضا» به کار رفته است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۲)

در اصطلاح حقوق اساسی و علوم سیاسی، حکومت عبارت است از: «سازمانی دارای تشکیلات و نهادهای سیاسی، مانند قوه مقننه، قضائیه و اجرائیه» (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ۹۴/۱)

هدف این سازمان، پیشبرد اهداف موردنظر و تأمین همه جانبه منافع و رفع نیازهای اتباع خود است. از نظر عقلی، حکومت به این معنا ضروری و لازم است.

ب) ضرورت و اهداف

هدف نهایی خداوند از آفرینش انسان، رسیدن او به کمال و سعادت جاودان است. از سویی دیگر، هیچ انسانی به تنهایی قادر به زندگی نیست. انسانها، برای ادامه حیات به یکدیگر نیازمندند و هرکجا گروه یا امتی وجود داشته، برای رفع اختلاف میان افراد آن و بقای آن امت یا گروه، نیاز به وجود مدیر و مسئول، احساس می شود و هر روز که جامعه انسانی به تکامل می رود، مدیریت نیز در اشکال مختلف، لزوم بیشتری می یابد. در نتیجه، جوامع انسانی، بدون مدیریت به کمال نمی رسند.

علاوه بر این، گستره مدیریت ها در عرصه های مختلف جامعه، اجزای پیکره نظام آن جامعه را تشکیل می دهند. بنابراین، جامعه انسانی، نیازمند انواع مدیریت هاست و وجود مدیریت های سالم در مراتب و درجات مختلف سیستم های جامعه، امری اجتناب ناپذیر و غیرقابل انکار است.

امام علی (ع) در بیان ضرورت برنامه ریزی که یکی از مبانی مهم مدیریت است، می فرماید: امارات الدول انشاء الحیل: بقای دولت ها، مربوط به برنامه ریزی و چاره اندیشی در امور است. (محمّدی ری شهری، ج ۲، ص ۵۵۱) و این نیز مؤید لزوم مدیریت در جامعه است.

با توجه به رویکرد مدیریتی دین اسلام، تبیین جایگاه مدیریت در دین اسلام و ارائه راهکارهای عملی پیشوایان دین اسلام ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

ج) شیوه تمقیق

برای شناخت اصول و مبانی مدیریت امام علی (ع)، ضرورتی وجود ندارد که لزوماً یک روش به عنوان روش انحصاری معرفی گردد.

این مقاله بر اساس نوع موضوع، در رسته تحقیقات توصیفی- تاریخی، قرار دارد که به شیوه کتابخانه ای انجام شده است. بنابراین در وهله اول، با استفاده از روش کتابخانه ای به منابع موجود مراجعه شد، آنگاه با استفاده از روش استنباطی و تفسیری که از زمره روشهای کیفی است، در متون دینی کنکاش صورت گرفت.

خصوصاً، خطبه ها و نامه های امام علی (ع) به استانداران و فرمانداران، که به عنوان منبع اصلی برای تبیین و تحقیق در موضوع، مورد استناد واقع شده است.

اگرچه تحقیق در این موضوع، بدیع و جدید نیست اما تلاش بر این بوده که در حد توان، از زاویه ای جدید، اصول و مبانی مدیریت علوی، در قالب مقاله ای موجز ارائه گردد.

(د) پیشینه موضوع

اولین مدیر و مدبر، خداوند متعال است که علاوه بر خلقت عالم، تدبیر و مدیریت آن را نیز برعهده دارد و جهان را به حال خود رها نکرده و هیچ چیز را بیهوده نیافریده است: «و ما خلقت الجن و الانس إلّا ليعبدون» (ذاریات/۵۶)

مدیریت سازمان عظیم ملائکه و به کارگماردن هر یک در جایگاه مخصوص خود (به عنوان مثال حضرت جبرائیل که دارای مسئولیت مهمی است و در قرآن به عنوان: مطاع ثم امین، از او یاد شده است) و تقسیم بندی مسئولیت های آنان، نظارت و پیگیری مستمر بر کیفیت کار آنها و اداره هوشمندانه تمامی جهان خلقت، نمونه ای از مدیریت بی بدیل پروردگار است.

مدیریت بشری نیز دارای پیشینه و قدمتی کهن است. در طول تاریخ مدیران فراوانی اداره جامعه اطراف خویش را برعهده داشتند که در رأس آنان پیامبران الهی و افراد برجسته، از بهترین مدیران جامعه بشری بوده اند. پیامبرانی همانند حضرت داوود، هارون، یوسف (ع) و حضرت سلیمان (ع) و خاتم پیامبران، رسول اکرم (ص) که در سوره های قرآن، شیوه های مدیریتی این پیامبران بیان شده است

علاوه براین، افراد بزرگمنشی همانند ذوالقرنین، ملکه سبا نیز به عنوان مدیر درقرآن مجید معرفی شده اند که شناخت ویژگی های شخصیتی و روشهای اعمال مدیریتی هریک از مدیران مذکور می تواند ما را برای دستیابی به مبانی و اصول مدیریت نمونه یاری رساند.

ازسویی دیگر، قرآن مجید، نمونه های بارزی از مدیریت منحرف و ناصواب را ذکر می کند. مانند مدیریت فرعون:

قرآن می فرماید: «و ماأمر فرعون برشید» (هود/۹۷) یعنی: مدیریت فرعون دارای رشد نبوده تا دیگران را به سعادت برساند. برخلاف ادعای متکبرانه وی که می گفت: «و ما أراکم إلا ماأری و ماأهدیکم إلا سبیل الرشاد» (مؤمن/۲۹) یعنی: من، جز آنچه که معتقدم به شما ارائه نمی دهم و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی کنم.

ألا إن أولياء الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون (يونس/۶۲) آگاه باشید اولیای خدا نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند

امام علی(ع) می فرماید: الجبن ذل ظاهر ترس، ذلتی آشکار است. (همان، ص ۳۲)

۳- کسب رضایت دیگران:

امام علی(ع) می فرماید:

- و لا تسخط الله برضى أحد من خلقه فإنّ في الله خلفا من غيره و ليس من الله خلف في

غیره (نامه ۲۷) و هرگز خداوند را برای رضایت احدی از مخلوقاتش به خشم نیاور، چراکه خداوند جای همه کس را می گیرد و کسی نمی تواند جای خداوند را بگیرد.

- و ألزم الحق من لزمه من القريب و البعيد و كن في ذلك صابرا محتسبا واقعا ذلك من قرباتك

و خاصتک حیث وقع و ابتغ عاقبته بما يثقل عليك منه فإنمغبه ذلك محموده (نامه ۵۳) حق را درباره آن که شایسته است، چه خویشاوند و چه بیگانه رعایت کن و در این باره صابر باش و به حساب خدا بگذار، هرچند این کار موجب فشار بر یاران نزدیک شود و سنگینی این راه را برای سرانجام ستوده آن تحمل کن.

- لا يسوئتك ما يقول الناس فيك فإنه إن كان كما يقولون كان ذنبا عجلت عقوبته و إن كان

علی خلاف ما قالوا كانت حسنه لم تعملها (الآمدی، ج ۲، ص ۳۳۵) سخنانی که مردم درباره تو می گویند تو را ناراحت نسازد زیرا اگر همان گونه که می گویند گناهی باشد، در کیفر آن تعجیل شده است و اگر برخلاف آنچه می گویند باشد، حسنه ای است (برای تو) در حالی که آن حسنه را انجام نداده ای.

۷. نظارت، کنترل و پیگیری مستمر

به طور کلی عملیات نظارت و کنترل در سه شیوه (نبوی، ص ۳۱۴) انجام می شود:

۱- نظارت آشکار: در این نوع نظارت مدیر مستقیما وارد عمل می شود و بر امور نظارت می کند یا نیروی مشخصی را برای نظارت معرفی می نماید.

۲- نظارت درونی: این نوع نظارت، غالبا در افراد با ایمان به طور قوی وجود دارد به این معنا که در وجود فرد که او را به انجام وظایفش متمایل سازد، این حالت ایجاد شود، بدون آنکه عاملی خارجی او را تحت کنترل خود داشته باشد.

۳- نظارت پنهانی: در این نوع نظارت، افرادی ناشناس عملکرد کارگزاران را تحت نظر قرار می دهند این نوع کنترل از اهمیت فراوانی برخوردار است امام علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر بر این نوع نظارت تأکید می کند:

« ثم تفقد أعمالهم و ابعث العيون من أهل الصدق و الوفاء عليهم فإن تعاهدك في السر لأمرهم حدوده لهم على استعمال الأمانة و الرفق بالرعية (نهج البلاغه نامه ۵۳)

سپس با فرستادن مأموران مخفی، راستگو و باوفا، کارهای آنان را زیر نظر بگیری، زیرا بازرسی مداوم پنهانی سبب می شود که آنها به امانت داری و مدارا کردن با زیردستان ترغیب شوند.

۸. تلاش در اصلاح امور مردم

امام علی(ع) می فرماید:

- من کمال السعاده السعی فی اصلاح الجمهور (الآمدی، ج ۲ ص ۲۵۴) کوشش بر اصلاح امور مردم از کمال سعادت است
- آفه القدره منع الاحسان (همان ج ۱ ص ۲۷۴) خودداری از نیکی به دیگران آفت قدرت است.
- من وثق بإحسانک أشفق علی سلطانک (همان ج ۲ ص ۱۷۰) کسی که به نیکی تو مطمئن شد بر حکومت علاقه مند می گردد.
- و اجعل لذوی الحاجات منک قسما تفرغ لهم فیه شخصک و تجلس لهم مجلسا عاما فتواضع فیه لله الذی خلقک... (نامه ۵۳) برای مراجعان خود وقتی مقرر کن که به نیاز آنها شخصا رسیدگی کنی، مجلس عمومی و همگانی برای آنها تشکیل ده و درهای آن را به روی هیچ کس نبند و برای خداوندی که تو را آفریده تواضع کن...

۹. اطلاع رسانی و بهره گیری از مشاورین

خداوند متعال به رسول اکرم که کاملترین انسان است دستور مشاوره با مردم می دهد:

و شاورهم فی الأمر (آل عمران ۱۵۹) با آنان در کارها، مشورت کن

امام رضا(ع) می فرماید: إنّ رسول الله کان یستشیر أصحابه ثمّ یعزم علی ما یرید (الحرالعاملی ج ۸ ص ۴۲۸ باب ۲) پیامبر اکرم(ص) با اصحابش مشورت می کرد، سپس مطابق آنچه می خواست تصمیم می گرفت

امام علی(ع) حق مشورت را از حقوق قطعی مردم می داند و می فرماید:

- ألا وإن لکم عندی ألا احتجز دونکم سرا إلا فی حرب و لأطى دونکم أمرا إلا فی حکم (نامه ۵۰) آگاه باشید حق شما بر من این است که جز اسرار جنگی سری را از شما پنهان نسازم و در اموری که پیش می آید، جز حکم الهی، کاری بدون مشورت شما انجام ندهم.

۱۰. وفای به عهد:

وفای به عهد از مهمترین ویژگی مؤمنین است. امام علی(ع) در نامه مالک اشتر وفای به عهد را

از مهمترین فرائض خدایی می داند و می فرماید:

«و إن عقدت بینک و بین عدوّ لک عقده او البسه منک ذمه فحط عهدک بالوفاء و ارع ذمک بالأمانه و اجعل نفسک جنه دون ما اعطیت فإنه لیس من فرائض الله شیء الناس اشد علیه اجتماعا مع تفرق اهوائهم و تشتت ارائهم من تعظیم الوفاء بالعهد:» اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه به عهده گرفتی، امانت دار باش و جان

خود را سپر پیمان خود گردان! زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست همه مردم جهان با تمام اختلاف آرائی که دارند حتی در زمان جاهلیت به عهد خود وفادار بودند. (نامه ۵۳)

یافته های پژوهش:

از آنچه که گفته شد، این نتایج به دست می آید:

- ۱- برای پیشرفت و تعالی روابط انسانی و نیل به سعادت و حفظ بنیان جامعه و پیش گیری از آسیب های ناشی از تشتت سیستمی نیروهای انسانی، وجود مدیریتی متکامل لازم است.
- ۲- سیره علوی، در راستای نفی بدعت ها و اقامه شریعت و تبعیت از خط راستین تعالیم اسلام، نمونه بارز یک مدیریت متکامل است.
- ۳- شناخت این مدیریت متکامل می تواند از طرق مختلفی صورت پذیرد. از جمله با:
 - تبیین مختصات سیره مدیریتی علوی
 - توجه و تفحص در عملکرد صریحانه امام علی(ع) در دفاع از حق، مقابله با مسامحه، اغماض و نادیده انگاری، حراست از اقامه حدود و احکام الهی و در یک کلام: جانبداری و جانبازی حضرت، در راه بیان حقیقت و اقامه عدالت.

فهرست منابع و مآخذ:

القرآن الکریم

- ابن منظور افریقی، محمد، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، بی تا.
 - اقتداری، علی محمد، سارمان و مدیریت، چاپ ۲۵، تهران، انتشارات مولوی.
 - الآمدی التمیمی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثانية، قم، ۱۴۱۰ هـ
- ق
- پرهیزگار، کمال، تئوری های مدیریت، انتشارات اشراقی، چاپ اول.
 - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینو لوژی حقوق، ۱۳۷۴.
 - جمعی از نویسندگان، زندگانی چهارده معصوم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
 - حسینی، مهدی، مدیریت فعالیت های فرهنگی، قم، نشرهاجر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
 - الحرائی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین، تحف العقول عن آل الرسول، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الخامسة، بیروت، ۱۳۹۴ هـ ق
 - الحر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الرابعة، ۱۳۹۱ هـ ق.
 - دشتی، محمد، امام علی (ع) و مدیریت، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۹.
 - رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴، چاپ ششم.
 - رضایی نژاد، عبدالرضا، دانش مدیریت امروز، تهران، مؤسسه رساء، ۱۳۷۵، چاپ اول.
 - عطاردی قوچانی، غدیرالله، امیرالمؤمنین و نهج البلاغه، تهران، عطارد، ۱۳۷۹.
 - عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶ هـ ش.
 - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۰.
 - قوامی، سیدصمصام الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ دوم، ۱۳۸۳
 - کریمی تبار، الله نور، حقوق متقابل مردم و حکومت از دید امام علی (ع)، تهران، رضوان، ۱۳۸۱، چاپ اول.
 - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
 - محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الرابعة، بی جا، ۱۳۷۲ هـ ش.
 - مآلوف لويس، المنجد، تهران، انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۶۴ هـ ش.
 - مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.
 - مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
 - مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۷۸ هـ ش.

- همان، حکمت ها و اندرزها، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ه. ش.
- همان، عدل الهی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ه. ش.
- معروف الحسنی، هاشم، زندگی نامه امیرالمؤمنین، ترجمه: علی شیخ الاسلامی، تهران، مؤسسه اهل البیت.
- الموسوی، ابوالحسن محمد الرضی بن الحسن، نهج البلاغه،
تصحیح: محمد دشتی، ترجمه: محمدرضا آشتیانی - محمد جعفر امامی، نشر امام علی (ع)، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۹ ه. ش.
- نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ه. ش.
- هرسی، پل - کنت بلاچارد، مدیریت رفتار سازمانی کاربرد منابع انسانی، مترجم: علی علاقه بند، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ ه. ش.

فهرست مجلات:

- معاونت تبلیغ و آموزش های کاربردی حوزه علمیه قم، ماهنامه مبلغان، شماره ۱۱۹.
- معاونت فرهنگی تربیتی حوزه های علمیه خواهران، ماهنامه یاس، شماره ۱۱، خرداد ۱۳۸۱.
- فصل نامه مصباح، شماره ۱۹